تحلیل گفتمان ادبی خطبه‌های حضرت زینب (س)

کبری روشنفکر*
دانش محمّدی**

چکیده: گفتمان پدیده‌ای زبانی است که در اثر ارتباط تولید می‌شود و نوع آن متأثّر از موقعیّت آن است. تحلیل گفتمان یک گرایش مطالعاتی بین رشته‌ای است که به نقد و تحلیل متون می‌پردازد. در گفتمان دو عنصر مهم بررسی می‌شود: یکی بافت متن و دیگری بافت موقعیّت. گفتمان دارای شاخه‌های مختلفی است. خطبه‌های حضرت زینب(س)، دارای دو بافت زبانی و موقعیّتی است. از منظر تحلیل گفتمان، خطبهٔ ایشان در میان مردم کوفه، متناسب با بافت موقعیّتی آن دارای برجستگیهای عاطفی بیشتر و گفتمان آن حضرت در مجلس ابن‌زیاد و یزید، متناسب با موقعیّت آن، دارای برجستگیهای برهانی و استدلالی بیشتر است. در بافت متنی گفتمان ایشان، از یک طرف بافت بنایی یا کلّی آن و از طرف دیگر، بافت ساختاری ـ که شامل کلّیّهٔ نکات زبانی و بلاغی است ـ مورد توجّه قرار می‌گیرد.

---

*. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه تربیت مدرس.
**. کارشناس ارشد ادبیات عربی دانشگاه تربیت مدرس.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

این جستار با توجّه به انواع ارتباطها و پیوندها، می‌کوشد تا با روش توصیفی ـ تحلیلی و استفاده از ابزار کتابخانه‌ای، به بررسی جنبه‌های ادبی و اجتماعی خطبه‌های حضرت زینب بپردازد.
کلیدواژه: گفتمان / تحلیل گفتمان / گفتمان ادبی / حضرت زینب(س) / خطبهٔ حضرت زینب.

۱. مقدمه

تحلیل متون ادبی از قدیم، رواج داشته است. توجّه بـه جـزئیّات و بـافتهایی همچون کلمه و جمله و توجّه به نکات بلاغی از خلال جزئیّات، از جمله ویژگیهای تحلیل متون ادبی در روزگاران گذشته بوده است.

سالهاست که تحلیل متون ادبی از بررسیهای توصیفی عبورکرده است و از یک سو، کلّیّهٔ ساختارهای متون ادبی از جزئی‌ترین آنها همچون حروف و کلمات، تـا واحدهای بزرگ‌تر از جمله، همچون زبان، مورد بررسی قرارگرفته و از سوی دیگر، این متون به عنوان پدیده‌های زبانی ـ که در تعامل با اجتماع‌اند ـ بررسی می‌شوند.

در این زمینه، نظریّات گوناگونی در تحلیل زبان وتولیدات زبانی شکل گرفت که به بررسی زبان از خلال ارتباط آن با اجتماع پرداخته شد. نظریّهٔ تحلیل گفتمان از جمله این نظریّات است که توجّه بسیاری از تحلیلگران را به خود جلب کرده است. تحلیل گفتمان به بررسی متون ادبـی از جـنبهٔ سـاختارهای زبـانی و بـافت مـتنی می‌پردازد. نظریّهٔ گفتمان در زبـان‌شناسی مـتولّد شـد. زلیگ هـریس، زبـان‌شناس ساختارگرای آمریکایی، اوّلین‌بار اصطلاح تحلیل گفتمان را به کـار بـرد. او دیـدی صورت‌گرایانه به جمله را مطرح کرد و تحلیل گفتمان را صرفاً نگاهی صورت‌گرایانه به جمله ومتن برشمرد. (۹: ص ۸)

در دهه‌های بـعد، تـحلیل گـفتمان دارای مـیدان وسـیع‌تری شـد و عـدّه‌ای از زبان‌شناسان، در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی، مفهوم بافت را نیز در تحلیل گفتمان وارد

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

کردند. (همان: ۸ـ۱۰).

خطبه‌های حضرت زینب(س) به عنوان پدیده‌ای زبانی، از تأثیرات اجتماعی و فرهنگی دور نبوده است. زینب(س) از فصاحت و بلاغت قرآن و نبیّ اکرمﷺ و علی‌علیه‌السلام بهره‌ها برده؛ همان قرآن که فصاحت وبلاغت آن، خطباء وادباء عرب را عاجزکرده و همان نبی که «**أفصح من نطق بالضاد**» بود و همان علی‌علیه‌السلام که نهج‌البلاغهٔ او فصیح‌ترین کلامها بعد از قرآن وکلام نبیﷺ است. تحلیل کلام چنین شخصیّتی، اگرچه بارها و بارها صورت گرفته است، ولی به جرئت می‌توان گفت که اکثر تحلیلگران نتوانسته‌اند فصاحت و بلاغت ایشان را حتّی به قدری بسیار اندک، نشان دهند؛ چراکه اکثر آنان به تحلیل کلام ایشان با استناد به جنبه‌هایی محدود از ساختارهای متنی کلام، همچون ساختارهای بلاغی قدیم، اکتفا کرده و حتّی نتوانسته‌اند ارتباط بعضی ازاین ساختارهای بلاغی، همچون آرایه‌های ادبی نظیر استعاره، تشبیه و سجع را با فصاحت و بلاغت ایشان بیان کنند. درحالی که اوج فصاحت و بلاغت زینبی زمانی بروز می‌کند که ایشان با توجّه به هر موقعیّت، بهترین کلام را متناسب با آن جایگاه، بیان می‌کند. به عبارت دیگر، زیبایی‌های تمام ساختارهای متنی کلام ایشان، از ساختارهای کلّی و بنایی آن تا ساختارهای اسلوبی و درونی، همگی در ارتباط با بافت موقعیّتی آن ظهور پیدا می‌کنند.

این نوشتار بر آن است تاکلام حضرت زینب(س) را در خطبه‌ها بر اساس شیوهٔ تحلیل گفتمانی، بررسی کند. خطبه‌های حضرت زینب(س) از دو جنبهٔ بافت متنی و بافت موقعیّتی، قابل بررسی و تحلیل‌اند. دادهٔ مورد تحلیل، خطبه‌های حضرت زینب (س) در میان مردم کوفه و در مجلس ابن‌زیاد و مجلس یزید است. در این بررسی، ابتدا مفاهیم گفتمان، تحلیل گفتمان، انواع گفتمان و گفتمان ادبی بررسی میشود و سپس خطبه‌های حضرت زینب(س) از دو جنبهٔ بافت موقعیّتی و بافت متنی مورد تحلیل قرار می‌گیرد و در پایان، نتیجه‌گیری خواهد آمد.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

۲. گفتمان

گفتمان معادل واژهٔ فرانسوی (discourse) اصطلاحی زبان‌شناسی است که به سرعت، کاربرد وسیعی یافت. (۳: ص ۲۲) جی.ای.کادن در فرهنگ اصطلاحات، گفتمان را در اطلاق به مباحث بسیار عالمانه و دقیق گفتاری یا نوشتاری پیرامون یک موضوع فلسفی، ادبی، سیاسی، اجتماعی، دینی، فرهنگی و هنری به کار می‌برد. (۱۴: ص ۲۶) گفتمان در مفهوم سنّتی ـ فلسفی آن به معنی دلیل‌آوری و بازتاب روشمندانه و کنترل‌شدهٔ گفتاری یا نوشتاری است. (۵: ۱۳۸۰) نیز گفتمان را مراودهٔ کلامی، بده‌بستانی بین گوینده و شنونده، باز نمود یک صدا در دل یک متن و تلازم گفته با کارکردهای اجتماعی و معنایی دانسته‌اند. (۱۵: ص ۱۰) به عبارت دیگر، گفتمان عبارت است از زبان به هنگام کاربرد به منظور برقراری ارتباط (۱: ص ۲۶) و به طور کلّی، اصطلاحی عام است برای نمونه‌های کاربردی زبان یعنی زبانی که در اثر برقراری ارتباط، تولید شده است و برخلاف دستور زبان ـ که با عبارتها و جمله‌ها سر و کار دارد ـ گفتمان با واحدهای زبانی بزگ‌تر چون پاراگراف، مصاحبه، مکالمه و متن سر و کار دارد. (همان)

شرط اصلی گفتمان گفتگو یا همه پرسه است. هرنوع گفتار، کلام و نوشتار، جریانی اجتماعی محسوب می‌شود. گفتمانها برحسب زمان و مکان متفاوت‌اند؛ (۱۴: ص ۵۵) مثلاً گفتمانی که میان یک دانشجو و همکلاسی او در بیرون از دانشگاه صورت می‌گیرد، با گفتمانی که میان همان دانشجو و همکلاسی او درکلاس صورت می‌گیرد، متفاوت است.

از تعاریف ذکر شده چنین بر می‌آید که گفتمان پدیده‌ای است زبانی متأثّر از اجتماع و نوع و کیفیّت آن از موقعیّتی به موقعیّت دیگر، تفاوت دارد.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

۳. تحلیل گفتمان

تحلیل گفتمان معادل (Analys Discourse) است که معادل فارسی آن سخن‌کاوی، تحلیل کلام وتحلیل گفتار می‌باشد. تحلیل گفتمانی یک گرایش مطالعاتی بین رشته‌ای است که از اواسط دهۀ ۱۹۶۰ تا اواسط دهۀ ۱۹۷۰ در پی تغییرات گستردۀ علمی ـ معرفتی در رشته‌هایی چون انسان‌شناسی، قوم‌نگاری، جامعه‌شناسی خرد، روانشناسی ادراکی و اجتماعی، شعر، معانی و بیان، زبان‌شناسی، نشانه‌شناسی و سایر رشته‌های علوم اجتماعی و علوم انسانی علاقه‌مند به مطالعات نظام‌مند ساختار وکارکرد و فرایند تولید گفتار و نوشتار ظهور کرده است. (۹: ص ۷) به عبارت دیگر، تحلیل گفتمان همان نقد گفتمان و بررسی نقاط قوت وضعف آن است.

۴. عناصر گفتمان

در تحلیل گفتمان، دوعنصر مهم مورد بررسی قرار می‌گیرند: یکی بافت متن و دیگری بافت موقعیّت.

منظور از بافت متن این است که یک عنصر زبانی در چارچوب چه متنی قرار گرفته است وجملات ماقبل و مابعد آن عنصر در داخل متن، چه تأثیری در تبلور صوری، کارکردی و معنایی آن دارند. در بافت موقعیّتی، یک عنصر یا متن در چارچوب موقعیّت خاصّی که تولید شده است، بررسی می‌شود. (۳:ص ۱۴۲)

۵. انواع گفتمان

به سبب اینکه می‌توان گفتمان را با توجّه به تعریف آن در یک نوع بررسی کرد، اکثر زبان‌شناسان از تقسیم آن خودداری کرده‌اند؛ ولی عدّۀ معدودی آن را به انواع گوناگونی تقسیم کرده‌اند. از جمله این تقسیم‌بندیها می‌توان به: ۱. گفتمان دینی ۲. گفتمان سیاسی ـ اجتماعی ۳. گفتمان ادبی ـ هنری ۴. گفتمان تبلیغاتی ـ

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

اطلاعاتی ۵.گفتمان علمی ـ منطقی ۶.گفتمان قانونی ۷.گفتمان تاریخی ۸.گفتمان اخلاقی ۹.گفتمان فلسفی، اشاره کرد. (۴: ص ۲۳)

امّا از آنجا که این مقاله به گفتمان ادبی می‌پردازد، به تعریف این نوع گفتمان از بین انواع مختلف آن اکتفا می‌شود.

۶. گفتمان ادبی

گفتمان ادبی «گفتمانی است نقدی که آثار ادبی و هنری را به منظور بیان زیبایی‌ها، تصویرگریها و روشهای آن و تأثیر بر خواننده و برانگیختن احساس وی و میزان ابداع و نوع‌آوری آنها از جانب ادیب و هنرمند تحلیل می‌کند. گفتمانی است که بین ذات ادیب و هنرمند و واقعیّتی که تصویرش می‌کند، ارتباط بر قرار می‌کند». (همان)

با توجّه به تعریفی که از گفتمان به شکل عام، و گفتمان ادبی به شکل خاصّ، ارائه شد و با توجّه به شناختی که از دو عنصر مهم گفتمان، بافت متن و بافت موقعیّت، حاصل شد، به نظر می‌رسد که در تحلیل گفتمان ادبی توجّه به موارد زیر ضروری است.

۱. موقعیّتی که گفتمان در آن شکل گرفته است؛ ۲. بافت کلّی گفتمان و سیر موضوعی آن؛ ۳. ساختارهای زبانی و اسلوبی که ادیب برای بیان گفتمان، بر حسب موقعیّت آن انتخاب کرده است؛ ۴. ساختارهای درونی گفتمان ۵. تأثیر گفتمان.

باید توجّه داشت که جداکردن این ساختارها و بررسی هر کدام از آنها بصورت منفصل از ساختارهای دیگر، امری بسیار دشوار است؛ چرا که «لفظ و معنی یا شعور و تعبیر، وحدت و یکپارچگی دارند و ساختارهای تعبیری چیزی به جز نتیجهٔ ساختارهای درونی نیستند و ساختارهای درونی هم بدون ساختارهای بیرونی، امکان بروز پیدا نمی‌کنند» (۶: ص ۲۵) و تمامی آنها در رسیدن به یک هدف مشترک گام بر می‌دارند؛ ولی برای سهولت فهم، سعی می‌شود تا آنجا که ممکن است؛ این

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

ساختارها به صورت جدا از هم بررسی شوند.

۷. تحلیل گفتمان ادبی خطبه‌های حضرت زینب(س)

در تحلیل گفتمان ادبی خطبه‌های حضرت زینب (س) ابتدا به بافت موقعیّتی آن می‌پردازیم و سپس با تحلیل بافت متنی آن، نتیجه می‌گیریم که بافت متنی خطبه‌ها به زیبایی، متناسب با بافت موقعیّتی آنها آمده است.

۷ـ۱) تحلیل بافت موقعیّتی خطبه‌ها

خطبه‌های حضرت زینب(س) هر کدام دارای موقعیّتی خاص است که اسلوبی خاص را هم می‌طلبد.

خطبهٔ ایشان در کوفه، در میان مردم بوده است؛ مردمی که استاد مطهّری مهم‌ترین عامل در اقدام آنها به قتل فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله را جهالت آنان می‌داند و در واقع امام حسین، شهید فراموش‌کاری مردم شد. (۱۳: ص ۴۷ـ۴۸) همین مردم اگرچه اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله را تنها گذاشتند، ولی بعدها جوانه‌های نهضت مقاومت و بیداری در میان آنها آشکار و به صورت قیام توّابین و مختار، رویده شد و به حکومت هزارماههٔ بنی‌امیّه خاتمه داد. (۱۲: ص ۹۱) در حقیقت، تأثیر این خطبه در مردم، اوّلین بذرهای این قیامها را در وجود آنها کاشت. لذا واجب بود که این خطبه‌ها به صورتی ایراد شود که بیشترین تأثیر را در آنها بگذارد و وجدان خفته آنان را بیدار کند.

خطبهٔ حضرت زینب (س) در مجلس ابن‌زیاد و مجلس یزید، در مقایسه با خطبهٔ ایشان در کوفه، موقعیّتی متفاوت دارد و اسلوبی دیگر را اقتضا می‌کند. ابن‌زیاد و یزید هدفی جز تحریف واقعهٔ کربلا و جلوگیری از ابلاغ رسالت حسین علیه السلام بعد از شهادت او نداشتند. آنها در پی معرّفی کردن شهادت امام علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

به عنوان عذابی از جانب خدا بودند.[1] یزید از نسل «**من لفظ فوه أکباد الاذکیاء**»[2] بود. او همان شرابخواری بود که دوست و دشمن به فساد او اعتراف می‌کردند و حسین‌علیه‌السلام وجود چنین حکمرانی را برای حکومت اسلامی مایهٔ نابودی اسلام می‌دانست.[3] در مقابل چنین شخصیّتی و در شرایطی که سر بریدهٔ امام حسین‌علیه‌السلام در مقابل چشمان زینب(س) توسّط یزید مورد اهانت قرار می‌گیرد و مجلسیان یزید التماس و به خواری افتادن خواهر حسین‌علیه‌السلام را انتظار می‌کشیدند تا آخرین ضربهٔ خود را به پیکر اهل بیت پیامبر بزنند، زینب با رفتاری آرام و کلامی استوار و استدلالی که نشان‌دهندهٔ ایمان او به پیروزی آنان بر یزیدیان بود، خطبهٔ تاریخی خود را ـ که اتمام‌کنندهٔ حماسه برادر در ابدیّت تاریخ است، ایراد می‌کند.

مخاطبان حضرت زینب(س) در کوفه، مردمی بودند که با شرایط خاص خود، موقعیّتی را ایجاد کرده بودند که اسلوب عاطفی، بیشتر از اسلوب برهانی و استدلالی، می‌توانست مؤثّر باشد. در مقابل، مخاطبین ایشان در مجلس ابن‌زیاد و یزید، با شرایطی متفاوت‌تر و در نتیجه، موقعیّتی دیگر، اسلوب کلامی دیگری را می‌طلبیدند که می‌توان اسلوب برهان و استدلال همراه با مقداری عاطفه را مناسب با موقعیّت آنها دانست. البتّه باید توجّه داشت که این موقعیّت خاص در مقابل ابن‌زیاد و یزید که اقتضای اسلوب جدلی و حماسی را دارد ـ فقط مخصوص شخصیّت زینب(س) است وگرنه، چه کسی به جز دختر علی‌علیه‌السلام می‌تواند با وجود آن همه مصیبتهایی که بر او وارد شد، باز هم در مقابل زورگویانی همچون ابن‌زیاد و یزید، مقاومت کند و سر تسلیم و خواری فرود نیاورد و به تخطئه و شماتت یزیدیان بپردازد.

---

۱. در مجلس ابن زیاد، اوخطاب به حضرت زینب(س)گفت: الحمدلله الذی فضحکم و قتلکم و أکذب أحدوثتکم: سپاس خدایی را که شما را رسوا کرد و کشت و دروغتان را ثابت کرد. ۱۱: ص ۱۷۶

۲. حضرت زینب(س) در خطبهٔ خود در مجلس یزید، او را «ابن من لفظ فوه أکباد الازکیاء» خواند؛ یعنی: پسر کسی که جگر پاک‌ترین بندگان خدا را درید. (همان)

۳. و علی الإسلام السلام؛ إذا قد بلیت الأمّة براع مثل یزید. (۱۳: ص ۳۰)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

۷ـ۲) تحلیل بافت متنی خطبه‌ها

در اینجا، بافت متنی خطبه‌های حضرت زینب به ترتیب درکوفه، مجلس یزید و مجلس ابن‌زیاد بررسی می‌شود.

۷ـ۲ـ۱) تحلیل بافت متنی خطبهٔ حضرت زینب(س) درکوفه

در تحلیل بافت متنی خطب می‌توان یک‌بار بافت بنایی آن را بررسی کرد و یک‌بار، بافت ساختاری آن را که شامل ساختارهای زبانی و اسلوبی گفتمان می‌باشد.

۷ـ۲ـ۱ـ۱) تحلیل بافت بنایی خطبه

خطبهٔ حضرت زینب درکوفه، از لحاظ بافت کلّی و بنایی، دارای مقدّمه، متن اصلی و خاتمه بوده، همگی تسلل و اتّحاد متنی دارند. مقدّمهٔ آن با حمد و ثنای خدا و صلوات بر محمّدﷺ و اهل بیتش آغاز می‌شود. سپس متن اصلی آن با خطاب قرار دادن اهل کوفه، به اهل نیرنگ و فریب ـ که ازبارزترین ویژگیهای کوفیان در مقابل اهل بیت پیامبرﷺ بوده است ـ آغاز می‌گردد و سپس با تشبیه اعمال آنان به اموری حسّی، اعمالشان برایشان روشن می‌شود. در اینجا حضرت زینب (س) آنان را شایستهٔ گریه کردن می‌داند؛ چراکه به قتل برگزیدهٔ خاندان نبوّت دست یازیدند. وی سپس آنان را به خاطر این کارشان نفرین می‌کند؛کاری که به خاطر آن، به خشم خدا دچار شدند و بعد از آن هم انذار می‌دهد که آنان با این کار خود جگر رسول خدا را شکافتند و اگر از این کارشان آسمان هم خون ببارد، تعجّبی ندارد. در پایان هم آنان را به سرنوشت نهایی کافران آگاه می‌سازد و اینکه خداوند درکمین آنهاست.

۷ـ۲ـ۱ـ۲) تحلیل بافت ساختاری خطبه

اعمال ادبی از لحاظ ساختارهای متنی، به دو قسمت ساختارهای درونی و ساختارهای بیرونی تقسیم می‌شوند. در ساختارهای بیرونی، الفاظ و عبارات، صور و خیال و موسیقی بررسی می‌شود و در ساختارهای درونی، عاطفه و فکر، مورد

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

نظر قرار می‌گیرد.

همان طورکه در بافت موقعیّتی خطبه‌ها اشاره شد، خطبهٔ حضرت زینب(س) درکوفه، احتیاج به نوعی تأثیرگذاری بالا در شنوندگان داشت؛ البته تأثیرگذاری‌ای که از راه به کارگیری عاطفه باشد، نه استدلال. لذا کلّیّهٔ ساختارهای اسلوبی این خطبه، متناسب با موقعیّت ایراد خطبه آمده است و حضرت زینب(س) به بهترین شکل، مقتضای حال مخاطب را در خطبهٔ خود رعایت کرده است. از ویژگیهای ساختاری این خطبه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. زیبایی چهارچوبی که معانی در آن قرار داده شده‌اند و هماهنگی آهنگ الفاظ و عبارات با فضایی که بر هر معنی حاکم است. «از وظایف ادیب برجسته این است که تصاویر و آهنگ الفاظ و عبارات او با جو شعوری که رسم می‌کند، هماهنگ باشند.» (۶: ص ۴۵)

حضرت زینب(س) آنجاکه می‌خواهد دردمند شدن رسول خدا صلی الله علیه و آله را به خاطر شهادت حسین علیه السلام نشان دهد، کلام را در چارچوبی زیبا و عاطفی و تأثیر برانگیز قرار می‌دهد و از تعابیری چون وای بر شما ای مردم، شکافتن جگر رسول خدا، ریختن خون او و شکستن حرمت او استفاده می‌کند که در آن، گزینش الفاظی چون کبد، دم، حرمة، همراه با جاری شدن عبارات هم‌آهنگ با این جوّ عاطفی، به بهترین شکل، شور و هیجان درونی را برمی‌انگیزد.

ویلکم یا أهل الکوفة، أتدرون أیّ کبد لرسول الله فریتم، و أیّ کریمة له أبرزتم، و أیّ دم له سفکتم، و أیّ حرمة له انتهکتم؟[1]

در مقابل هنگامی که می‌خواهد زشت بودن و شدّت عمل مردم در به شهادت رساندن حسین علیه السلام را توصیف کند، از کلماتی همچون صلعاء، عنقاء، سوداء، فقماء، خرقاء، شوهاء ـ که آهنگ حروف آنها نوعی خشونت و تنفّر را درگوش ایجاد

۱. وای برشما ای اهل کوفه، آیا می‌دانید چه جگری از رسول خدا شکافتید؟ و آیا می‌دانید کدام دختر او را مورد تماشای دیگران قرار دادید؟ و چه خونی از او بر زمین ریختید و چه حرمتی از او دریدید؟

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

می‌کند ـ استفاده می‌کند.

ولقد جئتم بها صلعاء، عنقاء، سوداء فقماء، خرقاء شوهاء كطلاع الارض.[1]

۲. برجسته‌سازی جملات کوتاه که دارای نوعی آهنگ درونی‌اند. این‌گونه جملات در تأثیرگذاری نقش مهمّی را ایفا می‌کنند.

لقد خاب السعي و تبّت الأيدي و خسرت الصفقة.[2]

و أنّى ترحضون قتل سليل خاتم النبوّة، و معدن الرسالة و سيّد شباب أهل الجنّة و ملاذ خيرتكم و مفزع نازلتكم و منار محجّتكم، و مدره سنّتكم.[3]

استفاده از این اسلوب در سوره‌های مکّی قرآن به خوبی نمایان است.

۳. تکرارکلمات هم آهنگ که از نظر معنایی، دارای نزدیکی‌اند. این اسلوب نیز در تأثیرگذاری عاطفی مؤثّر است.

و هل فيكم إلّا الصلف و النطف و الكذب و الشنف؟[4]

و لقد جئتم بها صلعاء، عنقاء، سوداء، فقماء، خرقاء، شوهاء، كطلاع الارض.

۴. جملات دعایی ونفرین که تأثیر بسزایی در بر انگیختن عاطفه مخاطبان دارد.

فلا رقعت الدمعة، ولاهدأت الرنّة.[5]

بعداً لكم وسحقاً.[6]

---

۱. کار زشت و ناشایستی انجام دادید و جنایت بزرگی کردید و ظلم وستمی عظیم به بزرگی زمین و آسمانها مرتکب شدید.

۲. کوشش شما به ناامیدی کشید و دستهای شما از رحمت خدا کوتاه شد و معاملهٔ شما موجب خسران و زیان شما گردید.

۳. و چگونه می‌توانید بشورید وپاک کنید قتل پسر پیامبر خاتم و معدن رسالت و سیّد جوانان اهل بهشت را آن کسی که پناهگاه نیکان شما و جایگاه امن در بلاهای سخت و پرچم حجّت شما و زبان سنّت در میان شمابود.

۴. در میان شما جز خودستایی و فساد و سینه‌های پر از کینه نیست.

۵. هرگز آب دیدگانتان فرو نایستد و ناله‌هایتان ساکت نشود.

۶. دور باشید از رحمت خدا و هلاکت برای شما باد.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

۵. جملات ندایی و طلبی که وجدان انسانها را خطاب قرار می‌دهند.

یا أهل الکوفة، یا أهل الختر والغدر.[۱]

ویلکم یا أهل الکوفة.[۲]

أي والله فابکوا کثیراً واضحکوا قلیلاً.[۳]

۶. وجود صور خیال که به خطبه زیبایی افزون‌تری می‌بخشد و در نتیجه، به تأثیر بیشتر آن کمک می‌کند. به کارگیری معانی مجرّد، بدون صور خیال، از تأثیر متن ادبی می‌کاهد. (۶: ص ۱۴۹) قرآن به بهترین شکل از صور خیال برای تأثیر بیشتر معانی استفاده کرده است. «**مثلهم کمثل الذي استوقد ناراً فلمّا أضاءت ما حوله ذهب الله بنورهم وترکهم في ظلمات لایبصرون.**»(بقره (۲) / ۱۷) «**ولا تکونوا کالتی نقضت غزلها من بعد قوة أنکاثاً.**» (نحل (۱۶) / ۹۱) حضرت زینب(س) نیز با به کارگیری اسلوب قرآنی، به استفاده از صور خیالی ـ که عناصر خود را از واقعیّت می‌گیرند ـ پرداخته است.

تشبیه:

مثلکم کمثل التي نقضت غزلها من بعد قوّة أنکاثاً...[۴]

او کمرعًی علی دمنة أو کفضّة علی ملحودة.[۵]

استعاره:

خاتم النبوّة، معدن الرسالة، منار محجّتکم.[۶]

---

۱. ای مردم کوفه، ای صاحبان مکر و خدعه.
۲. وای بر شما ای مردم کوفه.
۳. آری، به خدا قسم که بسیار گریه کنید و بسیار کم بخندید.
۴. مثل شما مثل زنی است که رشته‌های خود را به استواری می‌بافد و سپس از هم باز می‌کند.
۵. شما مانند گیاهان مزبله‌ها هستید که قابل خوردن نیستند و مانند نقره‌ای هستید که زینت قبورند.
۶. خاتم و معدن رسالت، آن کسی که در گرفتاریها پناهگاه شما و در مقام مجادله با دشمنان راهنمای شما بود.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

ضربت علیکم الذلّة و المسکنة.[۱]

أعجبتم أن أمطرت السماء دماً.[۲]

۷. استفاده از اسلوب انذار.

ما قدّمت لکم أن سخط الله علیکم و في العذاب أنتم خالدون.[۳]

بؤتم بغضب من الله.[۴]

ویلکم یا أهل الکوفة.

لعذاب الآخرة أخزی وانتم لا تنظرون.[۵]

أنّ ربّکم لبالمرصاد.[۶]

۸. به کارگیری اسم نکره، برای نشان دادن شدّت عمل و استفاده از تقدیم و تأخیرهای بلاغی، برای هماهنگی پایان جملات و آهنگین کردن آنها که خود در افزودن بر تأثیر خطبه، مؤثّر است.

«**بؤتم بغضب من الله.**» غضب نکره است و در بلاغت عربی، «یکی ازکاربردهای بلاغی اسم نکره نشان دادن شدّت و بزرگی چیزی است.» (۱۶:ص ۱۲۱)

«**أتدرون أیّ کبد لرسول الله فریتم و أیّ کریمة له أبرزتم و أیّ دم له سفکتم و أیّ حرمة له انتهکتم.**» در اینجا برای هماهنگی آهنگ، کلمات کبد، کریمة، دم وحرمة ـ که همگی مفعول‌اند ـ مقدّم شده‌اند. از منظر بلاغت عربی، یکی از دلایل تقدیم و تأخیرها، ایجاد هماهنگی در موسیقی آخر جملات است. (همان: ص ۱۵۴)

۹. استفاده ازکلماتی که خود به تنهایی، برانگیزانندهٔ عاطفه‌اند. در تحلیل نشانهٔ

---

۱. ذلّت و بیچارگی شما را احاطه کرده است.

۲. آیا تعجّب می‌کنید که آسمان خون ببارد.

۳. چه زاد و توشهٔ زشتی برای خود در عالم فراهم نمودید که موجب غضب خداگردید وعذاب جاویدان برای شما آماده شد.

۴. همانا به غضب خدا دچار شدید.

۵. بدون شک، عذاب آخرت سخت‌تر و خوارکننده‌تر است. و در آن روز مهلت داده نمی‌شوید.

۶. پروردگار شما در کمین شماست.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

معناشناختی گفتمان، یکی از ابعادی که در بر انگیختن عاطفه مؤثّر است، وجود کلماتی است که خود به تنهایی بار عاطفی دارند. (۷: ص ۱۴۴) در خطبهٔ حضرت زینب(س) در کوفه کلماتی همچون: البکاء، الدمعة، الرنّة، دم، به تنهایی دارای بار عاطفی‌اند.

۱۰. برجسته بودن عنصر عاطفه به عنوان عاملی تأثیرگذار که خطبهٔ حضرت زینب (س) در کوفه، اقتضای آن را دارد.

یکی از مهم‌ترین ابعادی که در تحلیل ساختارهای درونی گفتمان، مورد توجّه قرار می‌گیرد، عنصر عاطفه است. «در واقع عواطف همچون عطری هستند که در سرتاسر گفتمان پخش می‌شوند و فضای آن را با بوی ملایم یا تند خود تحت تأثیر قرار می‌دهند.» (همان: ص ۱۳۷) در بررسی ابعاد عاطفی خطبهٔ حضرت زینب(س) در کوفه، همین بس که کلّیّهٔ ساختارهای بیرونی این خطبه، همچون الفاظ و عبارات، صور خیال، موسیقی و آهنگ موجود در متن ـ همان‌طور که به آنها اشاره شد ـ نمود و نتیجه‌ای از این عاطفهٔ سرشارند. شاید همان فریاد دردناک و لرزه بر انداز آن حضرت و خطاب او به اهل کوفه، با عنوان اهل نیرنگ و فریب[1] که یادآور فریادهای **«یا أشباه الرجال و لا رجال»** (۸: ص ۷۱) پدر بزگوارشان امیرالمؤمنین است ـ بتوان به عنوان نقطهٔ اوج این عاطفه دانست.

۷ـ۲ـ۲) تحلیل بافت متنی خطبهٔ حضرت زینب(س) در مجلس ابن‌زیاد

خطبهٔ ایشان در مجلس ابن‌زیاد، در قالب گفتگو و در چند جمله میان حضرت و ابن‌زیاد شکل گرفته است. از ویژگیهای بافت متنی این خطبه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. استفاده از الفاظ ساده و استوار و عباراتی غیر آهنگین که نشان از صبر و بردباری فراوان حضرت زینب دارد. ایشان در جواب ابن‌زیاد که از او سوال کرد:

---

۱. یا أهل الکوفة، یا أهل الختر و الغدر.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

نظرت در مورد آنچه خداوند بر سر برادرت و پدرت آورد چیست؟ با آرامشی خاص و کلامی ساده و استوار و آهنگی آرام، فرمود: «**ما رأیت إلّا جمیلاً. هولاء قوم کتب الله علیهم القتل، فبرزو إلی مضاجعهم...**»[1]

۲. به کارگیری اسلوب بلاغی «**القول بالموجب**» که یک نوع آن عبارت است از اثبات صفتی برای چیزی یا شخصی و آوردن حکمی بر اساس آن که خود باعث نفی آن صفت از فرد مقابل می‌شود. این اسلوب به زیبایی در قرآن آمده است. «**یقولون لئن رجعنا إلی المدینة لیخرجن الأعزّ منها الأذلّ ولله العزّة ولرسوله وللمؤمنین.**» (منافقون (۶۳) / ۸) در این آیه، منافقان خود را عزیز و مؤمنان را ذلیل می‌دانند و در مقابل، خداوند بدون اینکه بگوید منافقان عزیز نیستند، عزّت را مختصّ به خود و رسولش و مؤمنان می‌داند و در واقع، با به‌کار بردن جملهٔ مثبت، عزّت را از منافقان نفی می‌کند. (۱۶: ص ۳۳۷) حضرت زینب(س) هم آنجا که ابن‌زیاد در خطاب به او، خدا را شکر می‌کند که آنها را رسوا کرد، با به‌کارگیری این اسلوب می‌گوید: «خداوند را سپاس می‌گویم که ما را با (انتخاب) پیامبر (از میان ما) گرامی داشت و از پلیدی پاک و تطهیر کرد. تنها فاسق است که رسوا می‌شود و دروغگو است که تکذیب می‌شود و ما هیچ یک از این دو گروه نیستیم.» حضرت زینب در اینجا به زیبایی، کلام ابن‌زیاد را از اهل بیت، نفی می‌کند و به صورت غیرمستقیم، آن را به خود ابن‌زیاد نسبت می‌دهد.

۷ـ۲ـ۳) تحلیل بافت متنی خطبهٔ حضرت زینب(س) در مجلس یزید

در این خطبه نیز همانند خطبهٔ ایشان در میان مردم کوفه، می‌توان بافت متنی آن را به دو قسمت بافت کلّی یا بنایی و بافت ساختاری تقسیم کرد.

۷ـ۲ـ۳ـ۱) تحلیل بافت بنایی خطبهٔ حضرت زینب(س) در مجلس یزید

---

۱. به جز زیبایی ندیدم. آنان قومی بودند که خدا کشته شدن را بر آنان نوشته بود، پس به سوی آرامگاههای خود رفتند.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

این خطبه با حمد وسپاس خدا وصلوات بر محمّدﷺ و اهل بیتش آغاز می‌شود. حضرت زینب در جای جای این خطبه، با زیبایی و موقعیّت‌شناسی بسیار عالی و با استشهاد به آیات الاهی، یکی پس از دیگری، گمانه‌زنی‌های یزید مبنی بر پیروزی بر اهل بیت و تلاش او را برای تحریف واقعهٔ کربلا، باطل می‌کند. شاید بتوان متن اصلی خطبه را به چند بخش یا مرحله تقسیم‌کرد: در مرحلهٔ اوّل به اقدام یزید در بی‌احترامی به وحی الاهی که آن را قبل از خطبهٔ آن حضرت به صورت ابیاتی زمزمه کرد ـ جواب می‌دهد و با استشهاد به آیهٔ قرآن آن کار را نتیجهٔ گناهان بسیاری می‌داند که یزید مرتکب شده و به بی‌احترامی به آیات الاهی انجامیده است.

در مر حلهٔ دوم، حضرت زینب به مقابله با غرور و تکبّر یزید می‌پردازد. یزیدی که به خاطر اسیرکردن دختران رسول و روی آوردن ظاهری دنیا به او و پیروزی ظاهری در جنگ، گمان می‌کند که خداوند او را عزیز دانسته و خاندان اهل بیت را ذلیل کرده است. در اینجا هم حضرت زینب با استشهاد به آیات الاهی می‌گوید: روی آوردن دنیا به امثال شماها از روی سنّت املاء الاهی است که به‌کافران مهلت می‌دهد.

حضرت زینب(س) در مرحله سوم، به یادآوری اصل و نسب اهل بیت و اصل و نسب بنی‌امیّه می‌پردازد و یزید را توبیخ و سرزنش می‌کند که چرا دختران رسول خدا را در بندکرده، در حالی که پدران او به لطف رسول اکرمﷺ بعد از فتح مکّه، آزاد شدند.

ایشان در مرحلهٔ چهارم، به این نکته می‌پردازد که آنچه را یزید انجام داد، نتیجهٔ اصل و نسب او هست؛ چراکه او فرزند همان هند جگرخوار معروف است.

در مرحلهٔ پنجم، به باطل کردن ظنّ وگمان یزید می‌پردازد که در اشعاری که قبل از خطبه خواند، پدران خود را به مشاهدهٔ پیروزی او و انتقامش از خاندان رسول دعوت کرد؛ ولی حضرت زینب(س) می‌گوید نه تنها آنها بر نمی‌گردند، بلکه تو نیز

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

به زودی به همان جهنّمی که آنها وارد شده‌اند، وارد می‌شوی.

در مرحلهٔ ششم، با اعتماد به وعدهٔ الاهی، نتیجهٔ عملکرد یزید را به خودش بر می‌گرداند و می‌فرماید: ای یزید، تو با به شهادت رسانیدن حسین علیه‌السلام تنها به خودت ضربه زده‌ای؛ چرا که حسین علیه‌السلام در راه خدا کشته شد و شهیدان در راه خدا هم زنده‌اند و نزد او روزی داده می‌شوند؛ ولی تو می‌مانی و این عمل زشتت و سر و کارت با خداوند و رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله است و باید جوابگوی آنان باشی.

در مرحلهٔ هفتم، حضرت زینب به بلندی جایگاه خود نسبت به یزید اشاره می‌کند که او همیشه یزید را در هر حالی که باشد، کوچک و پست می‌شمارد.

و مرحلهٔ آخر اشاره به اینکه یزید اگر تمام تلاشهای خود را به کار بگیرد، نمی‌تواند یاد و خاطرهٔ کربلا و کربلائیان را از صحنهٔ روزگار محو کند. در پایان هم با حمد و سپاس بر خداوند ـ که به اوّلین خاندان آنها عزّت و به آخرین آنها شهادت عطا کرد ـ خطبه را به پایان می‌برد.

۷ـ۲ـ۳ـ۲) تحلیل بافت ساختاری خطبهٔ حضرت زینب(س) در مجلس یزید

همان‌طور که در بافت موقعیّتی خطبه‌ها اشاره شد، خطبهٔ حضرت زینب(س) در مجلس یزید، به دلیل موقعیّت خاصّ آن، اقتضای اسلوبی استدلالی و برهانی را داشت.

بررسی بافت متنی این خطبه، به‌خوبی، نشان می‌دهد که حضرت زینب با موقعیّت‌شناسی ویژهٔ خود و به کارگیری اسلوبی متناسب با شرایط، توانست رسالت خود را به بهترین شکل به انجام برساند. از ویژگیهای ساختاری این خطبه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

۱. چهار چوبی ساده ولی استوار که در آن، الفاظ و عبارات همراه با موسیقی آرام در حرکت‌اند. به کارگیری این اسلوب بدان جهت است که موقعیّت خطبهٔ ایشان، برهان و استدلال را اقتضا می‌کند و در اسلوب برهانی، الفاظ و عبارات ساده و با آهنگی آرام به‌کار می‌روند.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

أظننت يا يزيد، حين أخذت علينا أقطار الأرض و آفاق السماء، فأصبحنا نساق كما تساق الإماء، إنّ بنا على الله هواناً، و بك عليه كرامة؟[1]

۲. برجسته ساختن جملات آهنگین در مواقع خاصّ. به عنوان مثال، آنجا که حضرت زینب می‌خواهد شدّت تعجّب خود را از کشته شدن پیروان خداوند توسّط پیروان شیطان و آلوده‌شدن دستان به خون آنها و خون‌چکان شدن دهانها از گوشت آنها و خورده‌شدن جثّه‌های پاکشان توسّط گرگها در بیابان و پاره‌پاره شدنشان توسّط کفتارها... بیان کند، از عباراتی آهنگین ـ که با معانی تناسب دارند ـ استفاده می‌کند.

ألا فالعجب كلّ العجب، لقتل حزب الله النجباء بحزب الشيطان الطلقاء. فهذه الأيدي تنطف من دماءنا و الأفواه تتحلّب من لحومنا و تلك الجثث الطواهر الزواكي تنتابها العواسل و تعفرها أمّهات الفراعل و.[2]

یا در جایی دیگر آنگاه که می‌خواهد تأکید کند که تو ای یزید، هرگز نخواهی توانست یاد ما را پاک کنی و اینکه روزگار تو اندک است، از جملات مداوم با آهنگی کوبنده استفاده می‌کند.

فوالله لا تمحو ذكرنا و لاتميت وحينا و لاتدرك أمدنا و لاترحض عنك عارها. و هل رأيك إلّا فند و أيّامك إلّا عدد، و جمعك إلّا بدد؟[3]

یا آنجا که با استفهامهای انکاری پی در پی، از یزید می‌پرسد که آیا گمان می‌کنی

۱. ای یزید، آنگاه که راههای زمین و آسمان را به روی ما بستی و ما را همانند اسیران، به گردش درآوردی پنداشتی که خداوند تو را عزیز و ما را خوار و ذلیل ساخته است؟

۲. بسی جای شگفتی و تعجب است که حزب خدا بـه دست حـزب شـیطان کشـته شـود. خـون مـا از پنجه‌های شما می‌چکد و پاره‌های گوشت بدن ما از دهانهای شما می‌ریزد وآن جثّه‌های پاک را گرگها و کفتارهای بیابان می‌درند.

۳. به خدا سوگند، یاد ما را از دلها و وحی ما را محو نتوانی کرد و به جلال ما هـرگز نـخواهـی رسـید و نمی‌توانی لکّهٔ ننگ این ستم را پاک کنی. رأی و نظر تو بی اعتبار و زمان دولت تو اندک و اجتماع تو به پریشانی و نابودی خواهد کشید.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

که الآن که ما را همچون کنیزکان اسیر کرده‌ای و دنیا به تو روی آورده، دیگر تو نزد خدا عزیز و ما ذلیل هستیم و بعد یک دفعه با فریاد کوبنده «**مهلاً مهلاً لا تَطِشْ جهلاً**»[1] یزید را از خواب خوش بیدار و متوجّه آیات خداوند متعال می‌کند.

۳. کاهش صور خیالی همچون تشبیه و استعاره، نسبت به خطبهٔ ایشان در میان مردم کوفه.

۴. روش استدلالی و برهانی به جای روش تأثیرگذاری عاطفی.

حضرت زینب(س) استشهاد به آیات قرآن و توجّه کردن به گذشتهٔ تاریخی اهل بیت و بنی‌امیّه را مرکز اصلی استدلالات خود قرار می‌دهد؛ چرا که اگرچه یزید و اصحاب او به قتل فرزند رسول خدا دست یازیدند، ولی بهانهٔ آنها در ظاهر، خارج شدن حسین علیه‌السلام و یارانش از دین محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله بود؛ همان‌طور که این اقدام را عذابی از جانب خداوند بر اهل بیت و عزّتی برای بنی‌امیّه می‌دانستند. پس حضرت زینب(س) در مواردی چند، تهمتها و دسیسه‌های آنها را با موقعیّت‌سنجی باطل می‌کند که برای مثال، به دو نمونه اشاره می‌شود.

ـ آنجا که یزید وحی خدا را مورد تمسخر قرار می‌دهد، حضرت زینب با استشهاد به آیهٔ ۱۰ سوره روم که می‌فرماید «سرانجام کار آنان که بسیار به اعمال زشت و کردار بد پرداختند، این شد که آیات خدا را تکذیب و تمسخر کردند.» تمسخر آیات الاهی را نتیجهٔ طبیعی زیادی گناهان او می‌داند.

اشاره به اصل و نسب که پدرانش آزادشدگان رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله بودند و پدرش معاویه که فرزند هند جگرخوار بود و در مقابل ذکر اصل و نسب اهل بیت علیهم‌السلام که به رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله بر می‌گردد و حسین علیه‌السلام که پیامبر او را سیّد شباب أهل الجنة خوانده است و الآن یزید با این اصل و نسب، سرور جوانان بهشتی را به جرم خروج از دین، به شهادت می‌رساند!! «**أ من العدل يا ابن الطلقاء، تخديرك حرائرك و إماءك و سوقك**

---

۱. اندکی آهسته و آرام‌تر.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

بنات رسول الله ﷺ سبایا؟»[1] **«کیف ترتجی مراقبة ابن من لفظ فوه أکباد الأزکیاء ونبت لحمه من دماء الشهداء؟»**[2] **«...منتحیاً علی ثنایا أبی‌عبدالله، سیّد شباب أهل الجنّة تنکتها بمخصرتك»**[3]

۷ـ۳) تأثیر خطبه‌های حضرت زینب(س)

با توجّه به تمام ساختارهای متنی و غیر متنی که به آن اشاره شد، می‌توان گفت که این خطبه‌ها دارای تأثیر عمیقی بوده‌اند. در بررسی تأثیرات این خطبه‌ها، می‌توان به نقش مهم و غیرقابل انکار آنها در بیان رسالت کربلا و جلوگیری از تحریف آن توسط یزیدیان اشاره‌کرد. ولی برای درک بیشتر این تأثیرات، می‌توان به روایات وکلام برخی از مورّخین مسلمان و حتّی غیر مسلمان استنادکرد.

بعد از به اتمام رسیدن خطبهٔ حضرت درکوفه، راوی می‌گوید: «به خدا قسم، در این هنگام، مردم را دیدم که سرگردان، گریه و زاری می‌کردند در حالی که انگشتان خود را (از شدّت گریه) در دهان کرده‌اند. و درکنار خود پیرمردی را یافتم که گریه می‌کرد؛ در حالی که محاسن او از اشکان چشمش خیس شده بود و او با خود می‌گفت: پدر و مادرم فدای شما باد! پیرانتان بهترین پیران و جوانانتان بهترین جوانان و زنانتان بهترین زنان و نسل شما بهترین نسلها، که خوار و مغلوب نمی‌شوند». (۱۱: ص ۱۷۴)

در مورد تأثیر خطبهٔ ایشان در مجلس ابن‌زیاد و یزید، مورّخان آن را از عوامل مهمّ سقوط حکومت بنی‌امیّه دانسته‌اند. کورت فریشر درکتاب خود با نام امام حسین و ایران، در مورد خطبهٔ ایشان در مجلس یزید می‌نویسد: «هنوز صحبت

۱. ای پسر آزادشدهٔ جدّ بزگوار ما، آیا از عدل است که تو زنان و کنیزکان خود را در پرده بنشانی و پرده‌نشینان رسول خدا ﷺ را این طرف وآن طرف برانی؟

۲. چگونه می‌توان امید بست به دلسوزی کسی که مادرش جگر پاکان را جویده است و گوشتش از خون شهیدان روییده؟

۳. ... در حالی که با چوب دستی بر لب ودهان اباعبدالله سیّد جوانان اهل بهشت، می‌زنی.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

زینب، دختر علی‌بن ابی‌طالب، تمام نشده بود و کسانی که در مجلس یزیدبن معاویه حضور داشتند، به دقّت، سخنان آن زن را می‌شنیدند و از شجاعت وی حیرت می‌کردند. تا آن روز کسی جرئت نکرده بود که آن طور صریح و بدون پرده، ظلم و فسق و رشوه‌خواری دستگاه خلافت یزیدبن معاویه را روبه رو، با حضور عدّه‌ای زیاد شاهد و مستمع با او بگوید.» (۱۰: ص ۵۲۰)

سپس در مورد تأثیر این خطبه می‌گوید: «نطق زینب، دختر علی‌بن ابی‌طالب، طوری حکومت اموی را متزلزل کرد که حتّی در زمان خود یزیدبن معاویه مردم مدینه، یعنی مردم همان شهری که اسلام از آنجا قوت گرفت و توسعه به هم رسانید، بر ضدّ حکومت اموی شورش کردند... سه نفر که هر سه علمدار شورش علیه حکومت اموی شدند، آن روز در مجلس یزید حضور داشتند. یکی از آنها فضل‌بن عبّاس‌بن ربیعه بود که بعد از مراجعت به مدینه، علم شورش را بر افراشت وکشته شد. دیگری عبدالله‌بن زبیر بود که بعد از شورش فضل‌بن عبّاس‌بن ربیعه در مدینه وکشته شدن او، در مکّه شروع به طغیان کرد و مردم مکّه را علیه یزیدبن معاویه شورانید... سومین شخص مختاربن ابی‌عبیدهٔ ثقفی بود و می‌توان گفت که آن سه نفر اگر آن روز در مجلس یزید حضور نداشتند و نطق زینب را نمی‌شنیدند، مبادرت به شورش نمی‌کردند. اگرچه شورش مختاربن ابوعبیدهٔ ثقفی بعد از مرگ یزیدبن معاویه آغاز شد، ولی باز آن مرد تحت تاثیر نطق زینب قرارگرفت.» (همان: ص ۵۲۴) اسد حیدر می‌گوید: «زینب یزید را به‌گونه‌ای خطاب قرار داد که او را از آن خونسردی ظاهری بیرون کشید و او همچون بنده‌ای گناهکار بود که در دست بانوی بزرگوار است و مورد سرزنش و ملامت قرار می‌گیرد.» (۲: ص ۳۴۷)

نتیجه‌گیری

تحلیل گفتمان ادبی همچون دیگر شاخه‌های آن در دهه‌های اخیر، مورد توجّه زیادی قرارگرفته است. در این روش، متون ادبی از دو جنبهٔ بافت متن و بافت

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

موقعیّت بررسی می‌شوند. تحلیل گفتمان ادبی خطبه‌های حضرت زینب(س) با بررسی این دو بافت، به‌خوبی، شمّه‌هایی از فصاحت و بلاغت کلام ایشان را نشان می‌دهد. خطبه‌های ایشان از یک سو، با استفاده از اسالیب و مفاهیم قرآنی و به کارگیری اصول زیباشناسانه و هماهنگی بین متنی و از سوی دیگر، با هماهنگی که میان دو بافت متنی و موقعیّتی آنها وجود دارد، توانسته‌اند به بهترین شکل، فصاحت و بلاغت زینبی را نشان دهند. ایشان در خطبهٔ خود در میان مردم کوفه، با برجسته‌سازیهای عاطفی ـ که متناسب با فضای حاکم بر مخاطبان بود ـ توانست بیشترین تأثیرات را در اهل کوفه به جای بگذارد. در مجلس ابن‌زیاد و مجلس یزید، در حالی که بیشترین مصیبتها بر اهل بیت وارد شده بود و کسی را یارای مقابله با یزیدیان نبود، با به کارگیری اسلوب برهانی و استدلالی و تخطئه کردن ابن‌زیاد و یزید، توانست تأثیر شگرفی را در طول تاریخ بر جای بگذارد و رسالت برادر را به بهترین شیوهٔ ممکن، به انجام برساند.

منابع

۱. آقاگل زاده، فردوس. **مقایسه و نقد رویکردهای تحلیل کلام و تحلیل کلام انتقادی در تولید و درک متن.** رسالهٔ دکتری زبان شناسی‌همگانی. تهران: دانشگاه تربیت مدرّس، ۱۳۸۱ ش.

۲. اسد، حیدر. **مع الحسین فی نهضته.**

۳. بهرامپور، شعبانعلی. **درآمدی بر تحلیل گفتمان.** تهران: انتشارات فرهنگ گفتمان، ۱۳۷۹ ش.

۴. حفنی، حسین. **تحلیل الخطاب.** المؤتمر العلمی الثالث، تحلیل الخطاب العربی (بحوث مختارة). عمان: جامعة فیلادلفیا.

۵. روزنامهٔ توسعه. **دربارهٔ تحلیل گفتمان.** ۱۳۸۰/۹/۶.

۶. سیّد قطب. **النقد الادبی اصوله و مناهجه.** دار الشرق، ۲۰۰۶ م.

۷. شعیری، محمّدرضا. **نشانهٔ معناشناختی گفتمان.** تهران: سمت، ۱۳۸۵ ش.

۸. الصالح، صبحی. **نهج البلاغه.** قم: منشورات دار الهجره.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

۹. فرکلاک، نورمن. **تحلیل انتقادی گفتمان**. ترجمهٔ فـاطمه شـایسته‌پیران و دیگـران. تـهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز تحقیقات و رسانه‌ها، ۱۳۷۹ ش.

۱۰. فریشر، کورت. **امام حسین و ایـران**. تـرجـمهٔ ذبـیح‌الله مـنصوری. تـهران: انـتشارات جـاویدان، ۱۳۶۲ش.

۱۱. القزوینی، عبدالحسین. **صناعة الخطابه**. بیروت: مؤسّسة البلاغه، ۱۹۸۸ م.

۱۲. محدّثی، جواد. **پیام‌های عاشورا**. قم: تحسین، ۱۳۸۱ ش.

۱۳. مطهّری، مرتضی. **حماسهٔ حسینی**. ج ۳، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۶۶ ش.

۱۴. مک دائل دایان. **مقدّمه‌ای بر نظریّه‌های گفتمان**. ترجمهٔ حسـینعلی نـوذری. تـهران: انـتشارات فرهنگ گفتمان، ۱۳۸۰ ش.

۱۵. میلز، سارا. **گفتمان**. ترجمهٔ فتّاح محمّدی. زنجان: نشر هزارهٔ سوم، ۱۳۸۲ ش.

۱۶. الهاشمی، احمد. **جواهر البلاغه**. نشر الهام، ۱۳۷۹ ش.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]